



چگونگی تصور "خود" در دانشجویان شاهد و غیرشاهد

دکتر رضا پورحسین^۱

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی تأثیر شاهدبودن و جنس، در چگونگی توصیف «خود» در دانشجویان شاهد و غیرشاهد انجام گردیده است. برای این مطالعه، ۱۰۹ نفر از دانشجویان دختر و پسر شاهد دانشگاه‌های تهران به‌طور تصادفی انتخاب و با آزمون بیست‌جمله‌ای (TST) مورد ارزیابی قرار گرفتند؛ سپس، از میان دانشجویان عادی، نمونه‌ای هم‌تا به تعداد ۱۲۱ نفر و به‌طور تصادفی انتخاب شد و با آزمون بیست‌جمله‌ای مورد سنجش قرار گرفت ($n=230$). داده‌های جمع‌آوری شده، با استفاده از مشخصه‌ی آمار استنباطی «کای اسکور»، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج، نشان داد که آزمودنی‌های شاهد، «خود» را با همه‌ی انواع «خود»، توصیف کرده‌اند. بیش‌ترین توصیف، به‌صورت اسنادها و انتساب‌ها و اسنادهای روانی بوده است. آزمودنی‌ها، «خود» را در همه‌ی شکل‌های توصیفی از جمله توصیف مادی (۲۱ درصد)، فعال (۱۱ درصد)، اجتماعی (۳۷ درصد) روانی (۱۰۰ درصد) و معنوی (۲۴ درصد) توصیف کرده‌اند. بین دانشجویان شاهد و غیرشاهد، در چگونگی توصیف «خود»، تفاوت معنادار و قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. توصیف «خود» در دانشجویان شاهد و غیرشاهد، در زیرمقوله‌های اخلاقی، شخصیتی آینده‌نگری و موفقیت به‌میزان معنا داری، متفاوت است. فقدان پدر، می‌تواند یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هشیاری روی ویژگی‌های شخصیتی و توجه به آینده باشد. نتایج دیگر، نشان داد که متغیر جنس، در چگونگی توصیف «خود» در دانشجویان شاهد، تأثیر قابل ملاحظه‌ای ندارد. بین دختران و پسران شاهد، در زیرمقوله‌های اسناد مادی، هیجانی، عاطفی و توصیف خانوادگی، تفاوت وجود دارد. فراوانی‌ها نشان می‌دهد که دختران شاهد، بیش از پسران، «خود» را به‌صورت‌های مادی، عاطفی، هیجانی و خانوادگی نشان داده و توصیف کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: خودپنداشت؛ تصور از «خود»؛ شاهد؛ جنس؛ تست بیست‌جمله‌ای.

^۱ . عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

مقدمه

می‌توان احساس و برداشتی را که هر انسان از ویژگی‌های درونی و بیرونی خویش دارد، هویت شخصی یا «خود»^۲ نام نهاد. این آگاهی درباره‌ی خویشتن، بر دوپایه‌ی وحدت و هویت استوار است. در این دو بُعد، مجموعه‌ی استعدادها، تمایلات و صفات انسانی با یک‌دیگر اختلاط و امتزاج یافته و به تداوم و بقای آگاهی انسان درباره‌ی وجود خویشتن، گواهی می‌دهد. این امتزاج و انسجام، کلیتی را به‌عنوان خودپنداشت^۳ یا تصور از خود، شکل می‌دهد که رفتار و نگرش انسان را سامان می‌دهد. وقتی این کلیت روانی منسجم و توحید یافته شکل می‌گیرد، آدمی، همه‌ی صفات و فعالیت‌هایش را به آن نسبت می‌دهد. برخی، خودپنداشت اولیه را روان‌بینه یا روان‌سازه‌ی خود^۴ نامیده‌اند (بامیستر، ۱۹۹۹) که در اثر تحول، به انواع خود تبدیل و از روان‌بینه پیچیده‌تر می‌شوند. در اثر تحول خودپنداشت، آدمی واجد چندگونه شخصیت می‌شود یا به‌عبارتی: انسان، خود را به چند صورت توصیف می‌کند که در نظر دیمون وهارت (۱۹۹۱)، این ابعاد عبارتند از: خودِ مادی، خودِ فعال، خودِ اجتماعی و خودِ روانی. پورحسین (۱۳۸۱)، در پژوهشی عنوان کرد که علاوه بر چهار نوع خودِ دیمون وهارت، در جامعه‌ی ایرانی می‌توان به وجود یک خودِ دیگر، تحت عنوان خود معنوی تأکید نمود.

مباحث و تحقیقاتی که در روان‌شناسی درباره‌ی خود و پدیدآیی و تحول آن مطرح می‌شود، در شاخه‌ای تحت عنوان روان‌شناسی «خود»^۵ متمرکز شده‌اند. براساس روان‌شناسی «خود»، خودپنداشت، عمدتاً به‌وسیله‌ی نقش فرد تعریف می‌شود. بامیستر (۱۹۹۹)، معتقد است که خودپنداشت همه‌ی انسان‌ها و نوجوانان سفید و سیاه، بر یک پایه شکل می‌گیرد که ناشی از یک خودِ کلی و عمومی است؛ اما، نقش‌های اجتماعی افراد، خودِ کلی را اختصاصی‌تر کرده و ممکن است موجب تفکیک و تفاوت خودپنداشت شوند. برای خودپنداشت، دو مشخصه‌ی اصلی تعیین کرده‌اند که یکی توصیف‌کننده است؛ مانند تصور کلی بدنی و روانی و دیگری ارزیابی‌کننده، هم‌چون حرمت خود^۶ (عزت نفس) که موفقیت و غلبه بر شکست را تداعی می‌کند. توصیف صرف

^۲. Self

^۳. Self-concept

^۴. Slef-schema

^۵. Psychology of self

^۶. Self-esteem



انسان، درباره‌ی ویژگی‌های درونی و برونی خویش، بیانگر خودپنداشت یا تصور از خویش و توصیف توأم با ارزیابی یا ارزش‌گذاری درباره‌ی خود، ناظر به عزت نفس یا حرمت خود می‌باشد.

کلیت منسجم "تصور از خود" یا "خودپنداشت"، همانند دیگر فرایندهای شخصیتی، به تدریج شکل می‌گیرد و پیچیده‌تر می‌شود. این تحول در اثر تعامل انسان با عوامل گوناگونی اتفاق می‌افتد که بر تحول و چگونگی توصیف خود دخالت دارند؛ کنترل و سامان‌دهی آن‌ها با توجه به اهداف تربیتی می‌تواند بر تحول و چگونگی توصیف خود و همچنین بالا و پایین‌بودن خودپنداشت اثر بگذارند. این عوامل، عبارتند از: سن، جنس^۷، رابطه‌ی کودک و والدین، شرایط اجتماعی و محیطی، شرایط فرهنگی و آموزشی، موفقیت و شکست و شرایط ویژه همانند فقدان یا شهادت پدر (پورحسین، ۱۳۸۱).

شهادت در همه‌ی فرهنگ‌ها حرکتی مقدس در جهت اهداف ملی و اعتقادی تلقی می‌شود؛ اما در فرهنگ اسلامی - به خصوص فرهنگ شیعی - شهادت، اوج ایثار در مسیر رضایت خداوند محسوب می‌شود. به همین دلیل، نوع نگاه اسلام به شهادت و نگرش کسانی که داوطلبانه شهادت را پذیرفته‌اند، مقوله‌ی متفاوتی را مطرح می‌سازد. این پدیده، برای دیگران - به‌ویژه بازماندگان درجه‌ی اول شهید - شرایطی را به‌وجود می‌آورد که می‌توان از آن به‌عنوان "شرایط ویژه" یاد نمود. این شرایط، ناظر به نوع نگرش فرد، اطرافیان و جامعه درباره‌ی آنان و نیز نوع برخورد آن‌ها با بازماندگان می‌باشد که ممکن است در نوع شکل‌گیری تصور از خویش مؤثر باشند. اگر این تأثیر در خودپنداشت فرزندان آن‌ها قابل ملاحظه باشد، به‌طور طبیعی در چگونگی توصیف خود آن‌ها نیز مؤثر است. این موضوع همان چیزی است که پژوهش حاضر به بررسی آن می‌پردازد.

باتوجه به مفاهیم شهادت، فرزند شهید و شاهد در فرهنگ ایرانی اسلامی، متأسفانه شاهد پژوهش‌های اندکی در ایران و عدم پژوهش در این موضوع در خارج از ایران هستیم. از آن‌جاکه پدر، یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی تصور از خود می‌باشد، به‌نظر می‌رسد فقدان وی می‌تواند در تحول و توصیف تصور از خود، تأثیرات معنادار و قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. البته تحقیقات نشان داده‌است که این تأثیر، به‌اندازه‌ی تأثیر فقدان مادر نبوده است (لامب، ۱۹۷۶). هرزوغ (۱۹۸۰)، ضمن تأکید بر نقش پدر، اظهار می‌دارد که کودکان محروم از پدر، دچار نوعی احساس نیاز شدید به پدر خواهند شد؛ زیرا، آنان برای تنظیم رفتارهای

^۷.Gender



پرخاشگرانه نسبت به خود و دیگران، نیازمند آن هستند که با بزرگسالان مذکر، در ارتباط باشند. وی معتقد است که فرزندان محروم از پدر، در ابراز پرخاشگری نسبت به دیگران، دچار مشکلاتی خواهند شد. محرومیت از پدر، لزوماً مشکل آفرین نیست؛ بلکه اگر فقدان پدر یا مادر به محرومیت عاطفی^۸ منجر شود، مشکل آفرین خواهد شد (هاونر، ۱۹۷۰؛ به نقل از آدامز، ۱۳۶۹). به عبارت دیگر: محرومیت عاطفی، همیشه از فقدان پدر ناشی نمی‌شود. رفتارهای پردازمیز و جدایی نیز در کنار فقدان، می‌توانند محرومیت آفرین باشند. یکی دیگر از نتایج فقدان پدر، امکان اختلال در همانندسازی به‌ویژه برای پسران است. برخی مؤلفان (آلیساندری و وزمیک، ۱۹۸۹) از این موضوع با عنوان گرسنگی پدر یاد کرده‌اند که موجب عدم تنظیم پرخاشگری، عدم تنظیم رهبری و اختلال در ایفای برخی نقش‌های اجتماعی می‌شود.

از دید روان‌تحلیل‌گران نیز، فقدان پدر می‌تواند مشکلاتی را در تحول روانی جنسی کودکان به وجود آورد. آنان معتقدند که نبود پدر، مانع انحلال عقده‌ی ادیپی خواهد شد و این موضوع، به شکل‌گیری اختلالات شخصیتی منجر می‌شود (آدامز و همکاران، ۱۹۸۵). این مورد، می‌تواند در نمونه‌ی پژوهش حاضر نیز مصداق داشته باشد؛ زیرا با توجه به میانگین سن آن‌ها، زمانی که پدران‌شان به شهادت رسیده‌اند، در سن کودکی بوده‌اند.

درباره‌ی دلبستگی^۹، نظر بر این است که غالب نوزادان به پدرشان به همان اندازه دلبستگی نشان می‌دهند که به مادرشان ابراز می‌دارند. مطالعات پارک و تینسلی^{۱۰} (۱۹۸۱)، نشان می‌دهد که پدران به‌هنگام شیردادن یا بغل کردن نوزاد خود، به اندازه‌ی همسرشان محبت، حساسیت و مهارت نشان می‌دهند.

در خصوص مسایل تحصیلی و اجتماعی، امیرزاده ایرانی (۱۳۷۳)، طی پژوهشی که بین دو گروه کودکان شاهد و غیرشاهد انجام داد، عدم تفاوت معنادار بین آن‌ها را نشان داده است. به‌گفته‌ی وی، هر دو گروه در ارتباط با مسایل تحصیلی و اجتماعی آن‌ها یکسان بوده‌اند؛ اما مکوندی (۱۳۷۲)، طی پژوهشی نشان داد که دانش‌آموزان غیرشاهد نسبت به دانش‌آموزان شاهد از نظر تحصیلی و سازگاری در محیط مدرسه، برتری معناداری داشته‌اند. بهمنی (۱۳۷۲)، نشان داده است که عملکرد تحصیلی

^۸. Affective Deprivation

^۹. Attachment

^{۱۰}. Park, R.D. & Tinsley, B.R.



دانش‌آموزان واجد پدر بهتر بوده است؛ اما در زمینه‌ی سازگاری آموزشی، تفاوتی بین بچه‌های واجد پدر و شاهد وجود نداشت. درباره‌ی سلامت روانی دانش‌آموزان عادی، بدون پدر و شاهد، احمدخانی‌ها (۱۳۸۰) نیز به نتایج بهمنی (۱۳۷۲) رسیده است که بین سلامت روانی (ارزیابی شده با آزمون GHQ)، دانش‌آموزانی که دارای پدر هستند و دانش‌آموزانی که فاقد پدر هستند و نیز دانش‌آموزانی که پدر آن‌ها در جنگ به شهادت رسیده‌اند، تفاوتی وجود ندارد؛ اما درباره‌ی آفت تحصیلی، شاوردی (۱۳۷۴)، نشان داد که شهادت پدر، موجب آفت تحصیلی فرزندان شهید شده است. وزیریان (۱۳۷۹)، نشان داد که دانش‌آموزان گروه شاهد در مؤلفه‌ی شناختی ادراک کفایت خود و انگیزش پیشرفت با دانش‌آموزان غیرشاهد تفاوت معناداری از خود نشان داده‌اند.

درباره‌ی تأثیر فقدان پدر در ایجاد یا تشدید اختلال‌هایی چون افسردگی نیز مطالعاتی انجام شده است. می‌دانیم که افسردگی، از جمله اختلال‌هایی است که رابطه‌ی مستقیمی با چگونگی تصور از خود دارد. روشن (۱۳۶۹)، نشان داد که میزان شیوع افسردگی در دانشجویان شاهد بیش‌تر از دانشجویان غیرشاهد بوده است. این میزان، در دانشجویان دختر شاهد، بیش از دانشجویان دختر غیرشاهد می‌باشد. این یافته، تأثیرپذیری بیش‌تر دختران را نسبت به فقدان پدر نشان می‌دهد. حبیبی‌نیا (۱۳۷۴)، در تحقیقی که به بررسی وضعیت افسردگی بین فرزندان شهدا پرداخته است، همگون با نتایج روشن (۱۳۶۹)، نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان، افسردگی در فرزندان شهدا، بیش از سایر هم‌سالان بوده است. وی فقدان پدر را عامل بروز افسردگی دانسته است. مرتضوی‌نژاد (۱۳۷۴) نیز، به چنین یافته‌ای دست یافته است و بیان می‌کند که به احتمال زیاد یکی از مشکلاتی که فرزندان شهدا با آن مواجه هستند، افسردگی و ناامیدی است. علی‌پور (۱۳۶۰) نیز چنین یافته‌ای داشته است.

محمودیون (۱۳۷۴)، در پژوهشی که درباره‌ی رابطه‌ی فقدان پدر و خویشن‌داری در دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد انجام داده است، نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگین‌های آزمودنی‌های دو گروه در مؤلفه‌ی خودپنداشت و در خصیصه‌ی جامعه‌پسندی (محبوبیت) وجود دارد؛ اما این تفاوت، بین دختران و پسران شاهد، مشاهده نشده است. به عبارت دیگر: عامل جنس، در میزان مفهوم کلی خود، در فرزندان شاهد، دخالتی ندارد.



اهداف تحقیق

۱. شناخت چگونگی و نوع توصیف «خود» در دانشجویان شاهد دانشگاه‌های تهران و مقایسه‌ی آن با دانشجویان غیرشاهد
 ۲. مطالعه‌ی میزان ارتباط جنس و «تصور از خود» در دانشجویان شاهد
- براین مبنا، با توجه به وضعیت خاص فرزندان شاهد، یک سؤال اساسی برای پژوهشگر مطرح شده است: «شرایط ویژه‌ای که فرزندان شهید به دلیل فقدان پدر در آن قرار گرفته و رشد یافته‌اند، چه تأثیری در چگونگی توصیف آن‌ها از خویشتن دارد؟ و یا نقش متغیر جنس در این توصیف، چگونه است؟ پژوهش حاضر، برپایه‌ی سؤال‌های مذکور و با در نظر گرفتن متغیرهایی چون سطح تحصیلات (به عنوان متغیر کنترل) و جنس (به عنوان متغیر تعدیل کننده) شکل گرفت.

ضرورت پژوهش

برای شناخت ادراک خود در دانشجویان شاهد و نوع توصیف آن‌ها از خود و همچنین هنجاریابی بعدی آن، مطالعاتی از نوع پژوهش حاضر ضروری به نظر می‌آید. این دریافت می‌تواند مشاوران، روان‌شناسان و همچنین متولیان طراحی و برنامه‌ریزی بنیاد شهید را در گسترش بهداشت روانی و نیز اصلاح مشکلاتی که ناشی از ضعف خودپنداشت یا ضعف عزت نفس باشد، یاری نماید. اگر شهادت پدر، در شکل‌گیری خودپنداشت و توصیف آنان از خود، تأثیر متفاوتی را برجای گذارد، بایستی این موضوع در تربیت فرزندان شاهد و راهنمایی مادران و مربیان آن‌ها مورد توجه قرار گیرد تا برنامه‌های گوناگون پرورشی، اجتماعی و فرهنگی، با توجه به آن طراحی شوند. به کارگیری هر نوع روشی که بخواهد در شکل‌گیری شخصیت افراد مؤثر باشد، مستلزم شناخت دقیق مؤلفه‌های اساسی شخصیت و در این موضوع، شناخت چگونگی توصیف خود می‌باشد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین توصیف خود در دانشجویان شاهد و غیرشاهد دانشگاه‌ها، تفاوت معنا داری وجود دارد.
۲. بین توصیف خود در دانشجویان دختر و پسر شاهد، تفاوت معنا داری وجود دارد.
۳. بین توصیف خود در دانشجویان دختر و پسر غیرشاهد، تفاوت معنا داری وجود دارد.



روش تحقیق

تحقیق حاضر، مطالعه‌ای از نوع توصیفی، مقایسه‌ای و پس‌رویدادی است که ضمن توصیف متغیر ملاک «تصور از خود»، مقایسه‌ی آن در دو گروه آزمایشی و کنترل، میزان همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین (جنس و شاهد یا عادی بودن) را نیز برآورد می‌کند.

جامعه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این پژوهش، همه‌ی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تهران بوده‌اند. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، تصادفی و چندمرحله‌ای بوده است. از میان دانشگاه‌های موجود در شهر تهران به‌طور تصادفی، دانشگاه‌های علوم پزشکی، صنعتی امیرکبیر، علم و صنعت، آزاد اسلامی واحد جنوب و تهران، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در مرحله‌ی بعدی، از میان دانشجویان آن دانشگاه‌ها ۱۰۹ نفر از دانشجویان دختر و پسر شاهد انتخاب و آزمون بیست‌جمله‌ای بر روی آنان اجرا گردید. از هر دانشگاه به‌طور متوسط ۲۰ دانشجوی شاهد انتخاب شدند. در مرحله‌ی سوم، براساس نمونه‌ی شاهد، تعداد ۱۲۱ دانشجوی غیرشاهد و هم‌تا با دانشجویان شاهد، انتخاب شدند و به آزمون بیست‌جمله‌ای پاسخ دادند.

جامعه‌ی آماری این پژوهش، همه‌ی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تهران بوده‌اند. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، تصادفی و چندمرحله‌ای بوده است. از میان دانشگاه‌های موجود در شهر تهران به‌طور تصادفی، دانشگاه‌های علوم پزشکی، صنعتی امیرکبیر، علم و صنعت، آزاد اسلامی واحد جنوب و تهران، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در مرحله‌ی بعدی، از میان دانشجویان آن دانشگاه‌ها ۱۰۹ نفر از دانشجویان دختر و پسر شاهد انتخاب و آزمون بیست‌جمله‌ای بر روی آنان اجرا گردید. از هر دانشگاه به‌طور متوسط ۲۰ دانشجوی شاهد انتخاب شدند. در مرحله‌ی سوم، براساس نمونه‌ی شاهد، تعداد ۱۲۱ دانشجوی غیرشاهد و هم‌تا با دانشجویان شاهد، به‌طور تصادفی انتخاب شدند و به آزمون بیست‌جمله‌ای پاسخ دادند.



مقیاس تحقیق و روش جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های این تحقیق، با ابزار آزمون بیست‌جمله‌ای جمع‌آوری شده است. تست بیست‌جمله‌ای (TST)، ابتدا توسط کوهن و مک پارتلند (۱۹۵۴) ایجاد شد و توسط هارتلی تجدید نظر گردید. در این تست، از فرد خواسته می‌شود که خود را در بیست جمله‌ی متفاوت، به صورت کاملاً آزاد، توصیف کند. آزمودنی، به سؤال اصلی: تو چه جور آدمی هستی؟ پاسخ می‌دهد و معمولاً با جمله‌ی: من... هستم^{۱۱}، آغاز می‌کند. این سؤال‌ها باز و پاسخ‌ها بستگی به آزمودنی دارد. هر فرد، هر طور که می‌خواهد خود را معرفی و توصیف می‌کند و شاید جملات توصیفی وی، از بیست جمله هم فراتر رود. در این تست، از فرد خواسته می‌شود که به طور آزادانه خود را توصیف کند و نگران زیبا نبودن جملات خود نباشد. این روش موجب می‌شود که آزمودنی از روی اراده و با کم‌ترین محرک القایی، خود را به شکل ارتجالی توصیف نماید (بوژنتال و زیلین، ۱۹۷۰؛ به نقل از باند، ۱۹۸۳)؛ ضمن آن که توصیف آزاد، برای پاسخ‌گو جاذبه دارد؛ زیرا، تکلیف ساخت‌نیافته، محتویات مهم شخص را بیش‌تر ظاهر می‌سازد (بروملی، ۱۹۷۷؛ به نقل از هامپون، ۱۹۸۸).^{۱۲} نظر هارتلی اجزای اصلی مفهوم خود، در دسترس آگاهی است و به صورت زبانی می‌توان آن را توصیف نمود (کاناگوا، ۱۹۹۲). پاسخ‌های ارایه‌شده در این تست، با کدگذاری - که ذکر خواهد شد - تحلیل محتوا می‌شوند. تحلیل محتوا در این تست، به قوام آن اضافه کرده است. پاسخ‌های این تست، بر اساس روشی که توسط باند (۱۹۸۳) طراحی شده است، تحلیل می‌شوند. در طرح باند، مقوله‌های کلی چون: هویت اجتماعی، اسنادهای شخصی، داده‌های شخصی و پاسخ‌های غیرقابل کدگذاری و زیرمقوله‌های خود، نقش، طبقه‌ی اجتماعی، اسناد فیزیکی، انتخاب، آرزو، عقاید و اسنادهای روانی وجود دارند. هر یک از پاسخ‌های آزمودنی که در قالب جملات بیان می‌شوند، در یکی از این مقوله‌ها طبقه‌بندی می‌شوند.

مونتیه مایور و آیزن (۱۹۷۷)، با این آزمون، اندریافت خود را ارزیابی کرده‌اند و آن را برای فهم مؤلفه‌هایی چون: نقش شغلی، فردیت، اشاره‌های ایدئولوژیک، احساس خودمختاری، احساس وحدت و... دارای اعتبار دانسته‌اند. باند (۱۹۸۳)، با به‌کارگیری این تست، روش کدگذاری خاصی را به کار برد که مقوله‌های هویت اجتماعی، اسنادهای شخصی، اسنادهای رفتاری و روانی و... را ارزیابی می‌کند. در مطالعه‌ی گیبونز و ردی (۱۹۹۹)، همبستگی توافقی بین ۳۱ پرسشگر، ۰/۸۸ بوده است. هم‌چنین کاپا به نقل از

^{۱۱}. I am ...



گیبوز و ردی (۱۹۹۹)، روایی ۰/۸۱ را به دست آورده‌اند. در ایران، روایی این آزمون، توسط محسنی و امین یزدی (۱۳۷۳) بررسی شده است. این محققان، روایی این آزمون را در مقوله‌ی انتخاب و بیان ذوق و سلیقه، ۰/۷۹ و در مقوله‌ی احساسات و اسنادهای هیجانی عاطفی، ۰/۹۸ و در مجموع مقوله‌ها، ۰/۹۶ برآورد کرده‌اند که بیانگر میزان بالای روایی و اعتبار این تست می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل

از هر آزمودنی، تعدادی جمله به دست آمد که مبین توصیف وی از خود می‌باشد. هر یک از جملات، براساس مقیاس باند (۱۹۸۳ و امین یزدی، ۱۳۷۶) در یکی از مقوله‌های ۲۲ گانه‌ی آن طبقه‌بندی گردید. در نتیجه، در هر یک از مقوله‌های مقیاس باند، با فراوانی پاسخ‌های آزمودنی‌ها مواجه هستیم که باتوجه به مقوله‌ای بودن داده‌ها از مشخصه‌ی آماری غیرفاصله‌ای استفاده شده است. این مقوله‌ها عبارتند از: هویت اجتماعی (شامل نقش اجتماعی، نقش خانوادگی، نقش عام و فردیت و اشاره به خود)، اسنادها و انتساب‌ها (شامل: اسنادهای فیزیکی و متعلقات، رفتار اجتماعی، رفتار شخصی، رفتار مذهبی و رفتار خانوادگی)، اسناد روانی (شامل: مقوله‌های هیجانی عاطفی، اخلاقی و شخصیتی، شناختی، عقاید متضاد، رضامندی از زندگی و توصیف خانوادگی)، آینده (شامل: مؤلفه‌های شغلی، توفیق و بدبینی)، انتخاب، بیان ذوق و سلیقه (شامل: مؤلفه‌های انتخاب، بیان ذوق و سلیقه، ترجیح یا نفرت) و دید و نگاه دیگران.

در این پژوهش، ضمن تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی، از مشخصه‌ی فراوانی و درصد و برای برآورد سطح معناداری تفاوت‌ها و در سطح آمار استنباطی، از مشخصه‌ی آماری «کای اسکور» استفاده شده است که با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

نتایج آماری، با توجه به فرضیه‌های مورد نظر، به صورت توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفتند. در تحلیل توصیفی، از توزیع فراوانی و در تحلیل استنباطی، از مشخصه‌ی آماری «کای اسکور» استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها، براساس فراوانی پاسخ‌ها در هر یک از مقوله‌های ۲۲ گانه‌ی مقیاس باند است.



جدول شماره ۱: توزیع فراوانی مقوله‌ها و استنباط آماری «کای اسکور» در کل نمونه

معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش‌خی	جمع کل	غیرشاهد			شاهد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۰/۴۶	۰/۸۹	۱	۰/۵۷	۲۳	۱۱	۴۴	۷۰	۱۱	۴۳	۷۳	هویت اجتماعی	۱
۱/۰۶۰	۱/۰۹۹	۱	۳/۰۱	۲۲	۱۱	۹۱	۲۲	۱۱	۱۰۳	۱۳	اسنادها	۲
-	-	-	-	۲۳	۱۱	۱۱۴	۰	۱۱	۱۱۶	۰	اسنادروانی	۳
۱/۳۰۵	۰/۵۹	۱	۰/۴۲	۲۳	۱۱	۴۷	۶۷	۱۱	۴۳	۷۳	آینده	۴
-	۰/۵۸	۲	۱/۰۹۴	۲۳	۱۱	۸۳	۳۰	۱۱	۸۷	۲۹	ذوق و سلیقه	۵
۰/۴۶	۰/۸۶	۱	۱/۰۷۸	۲۳	۱۱	۲۰	۹۴	۱۱	۲۲	۹۴	نگاه دیگران	۶



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش‌خی	جمع کل	غیرشاهد			شاهد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۰/۳۳	۰/۶۲	۱	۰/۳۵	۲۳	۱۱	۲۱	۹۳	۱۱	۲۵	۹۱	نقش اجتماعی	۷
				۰	۴			۶				
۰/۱۶	۰/۲۱	۱	۱/۷۵	۲۳	۱۱	۷	۱۰۷	۱۱	۳	۱۱۳	نقش خانوادگی	۸
				۰	۴			۶				
۰/۴۸	۰/۸۲	۱	۰/۷۳	۲۳	۱۱	۱۱	۱۰۳	۱۱	۱۰	۱۰۶	نقش عام	۹
				۰	۴			۶				
۰/۳۳	۰/۶۱	۱	۰/۳۸	۲۳	۱۱	۱۹	۹۵	۱۱	۲۳	۹۳	فردیت	۱۰
				۰	۴			۶				
۰/۱۶	۰/۲۹	۱	۱/۳۱	۲۳	۱۱	۳۲	۸۲	۱۱	۲۵	۹۱	اسناد مادی	۱۱
				۰	۴			۶				
۱/۰۹۵	۰/۱۸	۱	۲/۰۹	۲۳	۱۱	۵۷	۵۷	۱۱	۶۹	۴۷	رفتار اجتماعی	۱۲
				۰	۴			۶				
۰/۴۵	۰/۸۹	۱	۰/۶۸	۲۳	۱۱	۵۷	۵۷	۱۱	۶۰	۵۶	رفتار شخصی	۱۳
				۰	۴			۶				



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش‌خی	جمع کل	غیرشاهد			شاهد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۰/۱۴	۰/۲۶	۱	۱/۵۱	۲۳	۱۱	۵۷	۲۰	۹۴	۲۸	۸۸	رفتار مذهبی	۱۴
				۰	۴							
۰/۳۲	۰/۵۶	۱	۰/۳۶	۲۳	۱۱	۳۱	۸۲	۱۱	۳۶	۸۰	رفتار خانوادگی	۱۵
				۰	۴			۶				
۰/۲۹	۰/۵۲	۱	۰/۵۱	۲۳	۱۱	۸۸	۲۶	۱۱	۹۴	۲۲	هیجانی عاطفی	۱۶
				۰	۴			۶				
۱/۳۷	۱/۶۶	۱	۳/۸۵	۲۳	۱۱	۱۰۲	۱۲	۱۱	۹۳	۲۳	اخلاقی	۱۷
۰	۰			۰	۴			۶				
-	۱/۴۰۴	۲	۱/۸۱	۲۳	۱۱	۹۲	۲۲	۱۱	۹۸	۱۷	شناختی	۱۸
	۰			۰	۴			۶				
۰/۳۸	۰/۶۸	۱	۰/۱۹	۲۳	۱۱	۷۰	۴۴	۱۱	۶۸	۴۸	عقاید	۱۹
				۰	۴			۶				
۰/۲۴	۰/۴۲	۱	۰/۷۸	۲۳	۱۱	۲۶	۸۸	۱۱	۲۱	۹۵	رضایت از زندگی	۲۰
				۰	۴			۶				



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش‌خی	جمع کل	غیرشاهد			شاهد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۰/۴۵	۰/۸۵	۱	۱/۱۰۰	۲۳	۱۱	۱۶	۹۸	۱۱	۱۸	۹۸	توصیف خانوادگی	۲۱
			۰	۰	۴			۶				
۰/۱۳	۰/۲۴	۱	۱/۸۶	۲۳	۱۱	۷	۱۰۷	۱۱	۱۳	۱۰۳	توصیف شغلی	۲۲
				۰	۴			۶				
۱/۳۵	۱/۶۱	۱	۳/۸۳	۲۳	۱۱	۴۱	۷۳	۱۱	۲۸	۸۸	توفیق	۲۳
				۰	۴			۶				
۱/۲۱۴	۱/۴۰۹	۱	۱/۱۴	۲۳	۱۱	۱۴	۱۰۹	۱۱	۹	۱۰۷	بدبینی	۲۴
				۰	۴			۶				

براساس فرضیه‌ی اول، بین توصیف خود در دانشجویان شاهد و غیرشاهد دانشگاه‌ها، تفاوت معنادار وجود دارد. با ملاحظه‌ی جدول شماره‌ی ۱، مشاهده می‌شود که در مقوله‌های هویت اجتماعی، اسنادها، اسناد روانی، آینده، ذوق و سلیقه، نگاه دیگران، نقش اجتماعی، نقش خانوادگی، نقش عام، فردیت، اسناد مادی، رفتار اجتماعی، رفتار شخصی، رفتار مذهبی، رفتار خانوادگی، توصیف به صورت هیجانی عاطفی، توصیف شناختی، عقاید، رضایت از زندگی، توصیف خانوادگی، توصیف شغلی و توصیف به صورت بدبینی، بین دانشجویان شاهد و غیرشاهد، تفاوت معنادار وجود ندارد. این نتیجه، در دو سطح اطمینان ۹۹ درصد و ۹۵ درصد به دست آمده است. به عبارت دیگر: دانشجویان شاهد و غیرشاهد، در مقوله‌های فوق، خویش‌تن را به طور یکسان توصیف می‌کنند: اما این تفاوت، در مقوله‌های اخلاقی (توصیف به صورت رفتار اخلاقی) و توفیق (توصیف به صورت موفقیت در آینده) به لحاظ آماری



در سطح اطمینان ۹۵ درصد (آلفا = ۰/۵) معنادار است. به عبارت دیگر: دو گروه شاهد و غیرشاهد در دو مقوله‌ی اخلاقی و موفقیت، خود را به صورت متفاوتی توصیف می‌کنند. با توجه به فراوانی گروه شاهد در مقوله‌های اخلاقی و توفیق (۹۳ و ۲۸) و غیرشاهد (۱۰۲ و ۴۱)، نتایج نشان می‌دهد که دانشجویان غیرشاهد بیش‌تر از دانشجویان شاهد خود را به صورت اخلاقی و موفقیت، توصیف می‌کنند.

این نتیجه، بیانگر آن است که به جز در مقوله‌های اخلاقی و توفیق، «شاهد بودن» نمی‌تواند موجب تغییر در توصیف خود شود.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و استنباط آماری «کای اسکور» در گروه شاهد

معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش‌خی	جمع کل	زن			مرد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۰/۳۵	۱/۷۰۱	۱	۳۳۳	۱۱	۵۸	۲۰	۳۸	۵۸	۲۳	۳۵	هویت	۱
	۰		۰	۶							اجتماعی	
۰/۲۸	۰/۵۶	۱	۰/۷۸	۱۱	۵۸	۵۰	۸	۵۸	۵۳	۵	اسنادها	۲
				۶								
-	-	-	-	۱۱	۵۸	۵۸	۰	۵۸	۵۸	۰	اسناد روانی	۳
				۶								
۱/۵۰۰	۱/۰۰	۱	۱/۰۳۷	۱۱	۵۸	۲۱	۳۷	۵۸	۲۲	۳۶	آینده	۴
	۰		۰	۶								



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش‌خ‌ی	جمع کل	زن			مرد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۰/۲۰	۰/۳۹	۱	۱/۴۹	۱۱	۵۸	۴۶	۱۲	۵۸	۴۱	۱۷	ذوق و سلیقه	۵
			۱	۶								
۰/۲۴	۰/۴۸	۱	۰/۹۰	۱۱	۵۸	۹	۴۹	۵۸	۱۳	۴۵	نگاه دیگران	۶
				۶								
۰/۳۳	۰/۶۵	۱	۰/۴۶	۱۱	۵۸	۱۱	۴۷	۵۸	۱۴	۴۴	نقش اجتماعی	۷
				۶								
۰/۵۰	۱/۰۰	۱	۳/۴۲	۱۱	۵۸	۱	۵۷	۵۸	۲	۵۶	نقش خانوادگی	۸
			۰	۶								
۰/۱۶	۰/۳۲	۱	۱/۷۵	۱۱	۵۸	۳	۵۵	۵۸	۷	۵۱	نقش عام	۹
				۶								
۱/۵۰۰	۱/۰۰	۱	۱/۰۵۴	۱۱	۵۸	۱۱	۴۷	۵۸	۱۲	۴۶	فردیت	۱۰
۰			۰	۶								
۱/۰۳۵	۱/۰۷۰	۱	۴/۱۳	۱۱	۵۸	۱۷	۴۱	۵۸	۸	۵۰	اسناد مادی	۱۱
۰				۶								



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش‌خی	جمع کل	زن			مرد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۱/۵۰۰	۱/۱۰۰	۱	۱/۰۳۶	۱۱	۵۸	۳۵	۲۳	۵۸	۳۴	۲۴	رفتار اجتماعی	۱۲
.	.		.	۶								
۱/۰۹۷	۱/۱۹۳	۱	۲/۲۱	۱۱	۵۸	۲۶	۳۲	۵۸	۳۴	۲۴	رفتار شخصی	۱۳
.	.			۶								
۰/۵۹	۱/۱۰۰	۱	۱/۰۰۰	۱۱	۵۸	۱۴	۴۴	۵۸	۱۴	۴۴	رفتار مذهبی	۱۴
			.	۶								
۰/۴۲	۰/۸۴	۱	۱/۱۶۱	۱۱	۵۸	۱۹	۳۹	۵۸	۱۷	۴۱	رفتار خانوادگی	۱۵
			.	۶								
۱/۰۴۸	۱/۰۹۶	۱	۳/۵۹	۱۱	۵۸	۵۱	۷	۵۸	۴۳	۱۵	هیجانی عاطفی	۱۶
.	.			۶								
۰/۱۱۸	۰/۳۵	۱	۱/۳۶	۱۱	۵۸	۴۴	۱۴	۵۸	۴۹	۹	اخلاقی	۱۷
				۶								
-	۰/۲۴	۲	۲/۸۴	۱۱	۵۸	۵۲	۶	۵۸	۴۶	۱۱	شناختی	۱۸
				۶								



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش‌خی	جمع کل	زن			مرد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۰/۴۲	۰/۸۵	۱	۱/۴۲	۱۱	۵۸	۳۳	۲۵	۵۸	۳۵	۲۳	عقاید	۱۹
			۰	۶								
۱/۵۰۰	۱/۰۰	۱	۱/۰۵۸	۱۱	۵۸	۱۱	۴۷	۵۸	۱۰	۴۸	رضایت از زندگی	۲۰
			۰	۶								
۱/۰۳۵	۱/۰۷۱	۱	۴/۲۱	۱۱	۵۸	۱۳	۴۵	۵۸	۵	۵۳	توصیف خانوادگی	۲۱
			۰	۶								
۰/۲۸	۰/۵۹	۱	۰/۷۸	۱۱	۵۸	۵	۵۳	۵۸	۸	۵۰	توصیف شغلی	۲۲
				۶								
۰/۵۹	۱/۰۰	۱	۰/۰۰	۱۱	۵۸	۱۴	۴۴	۵۸	۱۴	۴۴	توفیق	۲۳
				۶								
۱/۵۰۰	۱/۰۰	۱	۱/۲۰	۱۱	۵۸	۵	۵۳	۵۸	۴	۵۴	بدبینی	۲۴
			۰	۶								

براساس فرضیه‌ی دوم، بین توصیف خود در دانشجویان دختر و پسر شاهد، تفاوت معنا داری وجود دارد. به عبارت دیگر: این

فرضیه بیان می‌کند که متغیر جنس در دانشجویان شاهد، در چگونگی توصیف خود تأثیر می‌گذارد. داده‌های جدول شماره‌ی ۲



نشان می‌دهند که تفاوت فراوانی در همه‌ی مقوله‌ها، به‌جز مقوله‌های اسناد مادی (توصیف به‌صورت مادی و بدنی)، هیجانی عاطفی (توصیف به‌صورت خصیصه‌های عاطفی و هیجانی) و توصیف خانوادگی، معنادار نیست. این نتیجه، در دو سطح اطمینان ۹۹ درصد و ۹۵ درصد به‌دست آمده است. در مقوله‌ی اسناد روانی، همه‌ی آزمودنی‌های دختر و پسر شاهد، خود را توصیف کرده‌اند؛ اما نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد (آلفا = ۰/۰۵)، بین دختران و پسران شاهد در توصیف خود، براساس مقوله‌های اسناد مادی، هیجانی عاطفی و توصیف خانوادگی، تفاوت معنا داری وجود دارد.

با مراجعه به جدول شماره‌ی ۲ و ستون فراوانی مقوله‌های توصیف‌شده، دانشجویان دختر، بیش‌تر از دانشجویان پسر، خود را به‌صورت مادی، هیجانی عاطفی و خانوادگی توصیف کرده‌اند ($f=17$ ، $f=51$ ، و $f=13$). به‌عبارت دیگر: می‌توان جنس را عاملی مؤثر در توصیف خود به‌صورت مقوله‌های سه‌گانه در نظر گرفت؛ اما در بقیه‌ی نتایج، داده‌ها، حاکی از آن است که جنس نمی‌تواند متغیر تأثیرگذاری در چگونگی توصیف خود در دانشجویان شاهد باشد و توصیف دختران و پسران از خود، به یک‌دیگر نزدیک است.

جدول شماره‌ی ۳: توزیع فراوانی و استنباط آماری «کای اسکور» در گروه غیرشاهد

معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش خی	جمع کل	زن			مرد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۰/۳۸	۱/۷۰۰	۱	۰/۲۶	۱۱	۶۳	۲۳	۴۰	۵۱	۲۱	۳۰	هویت اجتماعی	۱
	۰			۴								
۱/۳۶	۱/۰۵۶	۱	۴/۱۶	۱۱	۶۳	۵۵	۸	۵۰	۳۶	۱۴	اسنادها	۲
	۰			۳								
-	-	-	-	۱۱	۶۳	۶۳	۰	۵۱	۵۱	۰	اسناد روانی	۳



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش خمی	جمع کل	زن			مرد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
				۴								
۱/۰۹۲	۰/۱۱۸	۱	۲/۳۱	۱۱	۶۳	۲۲	۴۱	۵۱	۲۵	۲۶	آینده	۴
.	.			۴								
-	۱/۴۰۸	۲	۱/۷۹	۱۱	۶۳	۴۸	۱۵	۵۱	۳۵	۱۵	ذوق و سلیقه	۵
.	.			۴								
۰/۲۴	۰/۴۶	۱	۰/۹۳	۱۱	۶۳	۱۳	۵۰	۵۱	۷	۴۴	نگاه دیگران	۶
				۴								
۰/۳۳	۰/۶۳	۱	۰/۴۶	۱۱	۶۳	۱۳	۵۰	۵۱	۸	۴۳	نقش اجتماعی	۷
				۴								
۰/۳۸	۱/۶۹۹	۱	۰/۴۶	۱۱	۶۳	۳	۶۰	۵۱	۴	۴۷	نقش خانوادگی	۸
.	.			۴								
۱/۱۵۷	۱/۲۱۵	۱	۱/۷۶	۱۱	۶۳	۴	۵۹	۵۱	۷	۴۴	نقش عام	۹
.	.			۴								
۰/۵۰	۰/۸۱	۱	۱/۰۶۴	۱۱	۶۳	۱۰	۵۳	۵۱	۹	۴۲	فردیت	۱۰



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش خمی	جمع کل	زن			مرد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
			۰	۴								
۰/۲۲	۰/۴۰	۱	۰/۹۴	۱۱	۶۳	۲۰	۴۳	۵۱	۱۲	۳۹	اسناد مادی	۱۱
				۴								
۰/۲۳	۰/۴۵	۱	۰/۸۹	۱۱	۶۳	۳۴	۲۹	۵۱	۲۳	۲۸	رفتار اجتماعی	۱۲
				۴								
۰/۳۵	۰/۷۱	۱	۰/۳۲	۱۱	۶۳	۳۰	۳۳	۵۱	۲۷	۲۴	رفتار شخصی	۱۳
				۴								
۰/۲۲	۰/۳۳	۱	۱/۰۳۳	۱۱	۶۳	۹	۵۴	۵۱	۱۱	۴۰	رفتار مذهبی	۱۴
			۱	۴								
۰/۳۰	۰/۵۳	۱	۰/۵۳	۱۱	۶۳	۱۹	۴۴	۵۰	۱۲	۳۸	رفتار خانوادگی	۱۵
				۳								
۱/۰۴۱	۱/۰۷۲	۱	۳/۸۵	۱۱	۶۳	۵۳	۱۰	۵۱	۳۵	۱۶	هیجانی عاطفی	۱۶
۰	۰			۴								
۰/۵۳	۱/۰۰	۱	۱/۰۵۱	۱۱	۶۳	۵۶	۷	۵۱	۴۶	۵	اخلاقی	۱۷



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش خمی	جمع کل	زن			مرد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
			۰	۴								
۱۳۷۵	۰/۶۴	۱	۱/۳۰۵	۱۱	۶۳	۵۲	۱۱	۵۱	۴۰	۱۱	شناختی	۱۸
۰			۰	۴								
۱۱۹۹	۰/۳۴	۱	۱/۰۸	۱۱	۶۳	۳۶	۲۷	۵۱	۳۴	۱۷	عقاید	۱۹
۰				۴								
۰/۳۱	۰/۵۱	۱	۰/۵۴	۱۱	۶۳	۱۶	۴۷	۵۱	۱۰	۴۱	رضایت	۲۰
				۴							ارزندگی	
۱۱۸۵	۰/۲۹	۱	۱/۳۷	۱۱	۶۳	۱۱	۵۲	۵۱	۵	۴۶	توصیف	۲۱
۰				۴							خانوادگی	
۰/۶۲	۱/۰۰	۱	۱/۰۱۱	۱۱	۶۳	۴	۵۹	۵۱	۳	۴۸	توصیف شغلی	۲۲
			۰	۴								
۱۱۰۸	۱۱۷۳	۱	۱/۰۶۱	۱۱	۶۳	۱۹	۴۴	۵۱	۲۲	۲۹	توفیق	۲۳
۰	۰		۲	۴								
۱۴۰۰	۱۶۵۵	۱	۰/۴۹	۱۱	۶۳	۲	۶۱	۵۱	۳	۴۸	بدبینی	۲۴



معناداری*	معناداری**	درجه‌ی آزادی	ارزش خمی	جمع کل	زن			مرد			مقوله	ردیف
					جمع	توصیف شده	توصیف نشده	جمع	توصیف شده	توصیف نشده		
۰	۰			۴								

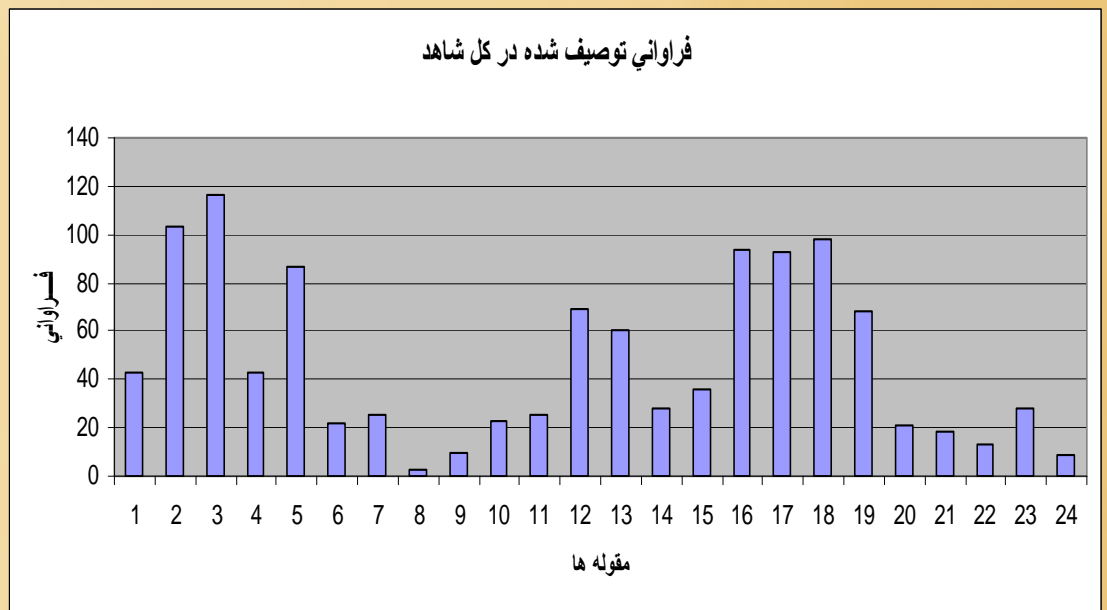
براساس فرضیه‌ی سوم پژوهش، بین توصیف خود در دانشجویان دختر و پسر غیرشاهد، تفاوت معناداری وجود دارد. با مراجعه به جدول شماره‌ی ۳، مشاهده می‌شود که براساس مشخصه‌ی آماری «کای اسکور» در دو سطح اطمینان ۹۹ درصد و ۹۵ درصد، بین فراوانی توصیف تمامی مقوله‌ها، به جز مقوله‌ی هیجانی عاطفی (توصیف خود، به صورت هیجانی عاطفی) در دانشجویان دختر و پسر غیرشاهد، تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر: در دانشجویان غیرشاهد نیز، متغیر جنس نتوانسته است در چگونگی توصیف خود، تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. در این فرضیه نیز، همه‌ی دانشجویان غیرشاهد، خود را به صورت اسناد روانی توصیف کرده‌اند. در مقوله‌ی عاطفی هیجانی، بین توصیف خود در دانشجویان دختر و پسر غیرشاهد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، (آلفا=۰/۰۵) تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر: عامل جنس، می‌تواند در توصیف خود، به صورت عاطفی هیجانی مؤثر باشد. با توجه به داده‌های جدول شماره‌ی ۳، دانشجویان دختر غیرشاهد، بیش‌تر از دانشجویان پسر غیرشاهد، خود را به صورت عاطفی هیجانی توصیف کرده‌اند.

براساس تحلیل استنباطی داده‌ها، می‌توان گفت که متغیرهای شاهد و جنس، در چگونگی توصیف خود، به جز در چند مقوله، تأثیر قابل ملاحظه‌ای ندارند و دانشجویان، به صورت همگون، خود را توصیف کرده‌اند.

چگونگی توصیف خود در دانشجویان شاهد

براساس نمودار شماره ۱، دانشجویان شاهد، بیش‌تر، خود را به‌صورت روانی و اسناد روانی ($f=116$ و ۱۰۰ درصد) و کم‌تر خود را به‌صورت خانوادگی، توصیف کرده‌اند ($f=3$ و ۰/۲ درصد).

نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی مقوله‌های توصیف‌شده در کل آزمودنی‌ها



بحث و نتیجه‌گیری

وقتی که مجموعه‌ی «تصاویر از خود» در یک کلیت منسجم، به وحدت برسند، خودپنداشت فرد تشکیل می‌شود که به گفته‌ی روان‌شناسانی چون یونگ، محور شخصیت انسان به‌شمار می‌آید. براساس الگوهای مختلف روان‌شناسی خود، این کلیت می‌تواند رگه‌های نگرش و رفتار انسان را تحت تأثیر قرار دهد. به‌عبارت دیگر: انسان‌ها، به‌میزان زیادی تحت تأثیر فرایند «تصور از خود» عمل می‌کنند. هراندازه میزان خودپنداشت فرد بالاتر باشد، توصیف خود بهتر و با جملات مثبت‌تری انجام می‌شود و برعکس، جملات منفی یا عدم توصیف خود، نشانه‌ی خودپنداشت ضعیف و پایین می‌باشد.

یافته‌ها، نشان می‌دهد که آزمودنی‌های شاهد، خود را با همه‌ی انواع خود، توصیف کرده‌اند. در همه‌ی مقوله‌ها، توصیف‌شدگی وجود دارد. این موضوع، مؤید این نکته است که آن‌ها واجد توصیف واحد نیستند؛ بلکه توصیف آن‌ها، همه‌جانبه و چندبُعدی است؛ اما فراوانی ابعاد مختلف توصیف خویشتن، متفاوت است. براساس راهنمای طبقه‌بندی باند (۱۹۸۳)، مقوله‌های کلی



شش گانه، به زیرمقوله‌های دیگری تقسیم می‌شوند. براساس طبقه‌بندی کلی، بیش‌ترین توصیف دانشجویان شاهد، به صورت اسناد و انتساب و اسنادهای روانی بوده است. توصیف‌های روانی به صورت بیان خصیصه‌های عاطفی هیجانی، اخلاقی، شناختی، عقاید و رضامندی یا نارضایتی از زندگی می‌باشد. به عنوان مثال: جملات "من آدم حساسی هستم، من آدم باهوش و حسابگری هستم، من به خدا معتقدم، من خوش بخت هستم و من آدم درون‌گرایی هستم"، بیانگر ویژگی‌های روانی فرد می‌باشند. به جز این مقوله کلی، ترتیب توصیف‌شدگی آزمودنی‌های شاهد، عبارتند از: انتخاب و ذوق و سلیقه، آینده، هویت اجتماعی و نگاه دیگران.

براساس زیرمقوله‌ها نیز، داده‌های پژوهش، حاکی از آن است که دانشجویان شاهد به صورت‌های گوناگون، خود را توصیف کرده‌اند (نمودار شماره ۱). این داده‌ها، بیانگر چندبُعدی بودن افراد می‌باشد. گوناگونی توصیف‌ها نشان می‌دهد که انسان‌ها نسبت به جنبه‌های مختلف خویشتن، هشیار هستند. این یافته با یافته‌های دیمون و هارت (۱۹۹۱) و پورحسین (۱۳۸۳) همگون می‌باشد. هم‌چنین نشان‌دهنده‌ی الگوی سلسله‌مراتبی است که توسط مارکوز و ورف (۱۹۸۷) بیان شده است.

هم‌چنین، داده‌ها نشان می‌دهد که براساس الگوی چندبُعدی دیمون و هارت (۱۹۹۱)، آزمودنی‌ها، خود را در همه‌ی شکل‌های مادی (۲۱ درصد)، فعال (۱۱ درصد)، اجتماعی (۳۷ درصد) و روانی (۱۰۰ درصد) و نیز براساس نظر پورحسین (۱۳۸۱)، به صورت معنوی و مذهبی (۲۴ درصد) توصیف کرده‌اند.

در تحلیل داده‌ها برای آزمون فرضیه‌ی اول، از مشخصه‌ی آماری «کای اسکور» استفاده شده است. نتایج، نشان می‌دهد که بین دانشجویان شاهد و غیرشاهد در چگونگی توصیف خود، تفاوت معنادار و قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. براین اساس، شاهد بودن (شهادت پدر) و فقدان پدر، بر نوع توصیف خود، تأثیری ندارد. در این باره، یافته‌های پژوهش با یافته‌های امیرزاده ایرانی (۱۳۷۳) در خصوص مسایل تحصیلی و اجتماعی، بهمنی (۱۳۷۲) درباره‌ی سازگاری مدرسه‌ای دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد و احمدخانی‌ها (۱۳۸۰) درباره‌ی سلامت روانی فرزندان شاهد و غیرشاهد، همگون است؛ اما، با یافته‌های محمودیون (۱۳۷۴) که بین خودپنداشت و مؤلفه‌ی جامعه‌پسندی (محبوبیت) تفاوت معنادار گزارش کرده بود، مطابقت ندارد. در پژوهش محمودیون (۱۳۷۴)، آزمودنی‌های مورد مطالعه، دانش‌آموز بوده‌اند. هراندازه سن افراد پایین‌تر باشد، میزان تأثیرپذیری از عوامل شکل‌گیری خودپنداشت بیش‌تر است. طبیعی است هرچه سن جلوتر می‌رود، توانایی سازگاری فرد با محیط بیش‌تر می‌شود. از



آن‌جا که آزمودنی‌های پژوهش حاضر در سطح آموزش عالی قرار دارند، به‌طور طبیعی بهتر خواهند توانست خود را با موقعیت‌های گوناگون سازگار کنند. براین اساس، شاید بتوان گفت یافته‌های این پژوهش با در نظر گرفتن سن آزمودنی‌ها، با یافته‌های محمودیون، تفاوتی ندارد. با توجه به این‌که دانشجویان در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی و روانی، با عوامل زیادی مواجه هستند تا بتوانند خود را ثابت کنند؛ یاد می‌گیرند که خودشان را بر اساس موقعیت‌های مختلف، متفاوت توصیف کنند. به عبارت دیگر: حضور فعال در صحنه‌ی اجتماعی، به میزان زیادی می‌تواند سازش انسان را افزایش دهد و انطباق خود را با دیگران هموار نماید؛ اما در میان زیرمقوله‌ها، توصیف خود در دانشجویان شاهد و غیرشاهد در مقوله‌های اخلاقی شخصیتی و آینده‌نگری و موفقیت، به میزان معنادار و قابل ملاحظه‌ای، متفاوت است. توصیف به صورت اخلاقی شخصیتی، توصیف به صورت روانی است. هم‌چنین توصیف به صورت توفیق، توصیف با عنایت به آینده‌ی روشن می‌باشد. طبق داده‌ها، در هر دو مورد، دانشجویان شاهد به میزان کم‌تری خود را توصیف کرده‌اند. به عبارت دیگر: افراد شاهد، کم‌تر به مؤلفه‌های شخصیتی و نیز نسبت به موفقیت‌های آینده خود، توجه دارند. این یافته، نشان می‌دهد که فقدان پدر می‌تواند یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هشیاری و ویژگی‌های شخصیتی و توجه به آینده‌ی موفقیت‌آمیز باشد. این افراد، نسبت به موفقیت‌های آتی خود، دریافت کم‌تری دارند و شاید کمبود دغدغه‌ی آینده و توجه کم‌تر به مؤلفه‌های شخصیتی، نوعی مقاومت درباره‌ی آینده‌ی روشن باشد. در این خصوص، می‌توان از یک بازداری نیز سخن گفت. بازداری بدین معناست که فرد ظرفیت لازم را برای یک رفتار دارد؛ اما آن را ظاهر نمی‌کند. در هر صورت، چه این افراد دریافت کم‌تری از آینده داشته باشند یا نوعی مقاومت و بازداری را از خود نشان بدهند، فقدان پدر را می‌توان به عنوان یک متغیر مهم در شکل‌گیری این موضوع مورد نظر داشت. اگر توجه به آینده‌ی توفیق‌آمیز را به عنوان انگیزه پیشرفت در نظر بگیریم، یافته‌های ما با یافته‌های وزیریان (۱۳۷۹) که گفته بود دانش‌آموزان گروه شاهد در مولفه‌های شناختی ادراک خود و انگیزه پیشرفت با دانش‌آموزان غیرشاهد تفاوت معنا داری از خود نشان داده‌اند، مطابقت دارد.

در تحلیل داده‌ها برای آزمون فرضیه‌ی دوم، از «کای اسکور» استفاده شده است. جدول شماره‌ی ۲ نشان می‌دهد که در مقوله‌های کلی بین دختران شاهد و پسران شاهد، تفاوت معنادار و قابل توجهی وجود ندارد؛ یعنی، متغیر جنس نتوانسته است در چگونگی توصیف خود، تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. این یافته، با نتایج تحقیقات محمودیون (۱۳۷۴) مطابقت دارد. وی نشان داد که در مؤلفه‌ی خودپنداشت و جامعه‌پسندی (محبوبیت) تفاوتی بین دختر و پسر وجود ندارد. به عبارت دیگر: عامل



جنس، در میزان مفهوم کلی خود در فرزندان شاهد، دخالتی ندارد. در مقابل، تحقیقات زیادی نیز وجود دارد که بر تأثیر جنس در چگونگی خود تأکید داشته‌اند.

هم‌چنین، نتایج نشان داد که بین دختران و پسران شاهد، در مقوله‌های اسناد مادی، هیجانی عاطفی و توصیف خانوادگی، تفاوت وجود دارد. فراوانی‌ها نشان می‌دهد که دختران شاهد، بیش از پسران خود را به صورت‌های مادی، عاطفی هیجانی و خانوادگی نشان داده و توصیف کرده‌اند. این نتایج، حاکی از آن است که دختران، گرایش بیش تری به وجوه بدنی و فیزیکی، عاطفی هیجانی و مناسبات خانوادگی دارند. این گرایش، نوعی توجه جدی به این مقوله‌ها را نیز می‌رساند که برای آن‌ها مهم می‌باشد. یکی از بسترهایی که ارتباط‌های بین فردی در آن غنی می‌شود، خانواده است که در پژوهش حاضر، تفوق گرایش بیش تر دختران بر پسران را نشان می‌دهد. خانواده می‌تواند به میزان زیادی، نیاز به ارتباط‌های بین شخصی و عاطفی را تأمین نماید.

در مجموع، براساس یافته‌های پژوهش، متغیر شاهد بودن و فقدان پدر و جنس، به جز در برخی موارد، به طور قابل ملاحظه‌ای در چگونگی توصیف خود دخالت نداشتند. به عبارت دیگر: دانشجویان شاهد، به همان گونه خود را توصیف کرده‌اند که دانشجویان غیرشاهد، خود را معرفی کرده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها توسط والدین و یا مولفه‌های دیگر از جمله بارور شدن سطح خودپنداشت و یا نگاه مثبت اجتماع به فرزندان شهیدان، توانسته‌اند نبود پدر را در ساخت و شکل‌گیری شخصیت خود جبران کنند.

دانشگاه‌های تهران به صورت تصادفی معرف خوبی از همه دانشجویان سراسر کشور می‌باشد. باین حال برای واری علمی بهتر است این موضوع در دانشگاه‌های غیر تهران نیز انجام شود.

منابع

- آدامز، اسکریت (۱۳۶۹)؛ روان‌شناسی مردم محروم از پدر، ترجمه‌ی خسرو باقری و محمد عطاران، تهران: انتشارات تربیت.



- احمدخانی‌ها، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ مقایسه و بررسی سلامت روان بین سه گروه دانش‌آموز: دارای پدر، فاقد پدر و شاهد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- امیرزاده ایرانق، نوریه (۱۳۷۴)؛ بررسی مشکلات تحصیلی، اقتصادی و اجتماعی کودکان شاهد در مقایسه با کودکان غیرشاهد در مدارس شاهد شهرستان ارومیه؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی تهران.
- امینی یزدی، سیدامیر (۱۳۷۳)؛ بررسی مفهوم خود، نزد پسران و دختران در آغاز و پایان نوجوانی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- بهمنی، بهمن (۱۳۷۲)؛ مقایسه‌ی عملکرد تحصیلی و سازگاری آموزشی دانش‌آموزان دختر و پسر شاهد و غیرشاهد شاغل به تحصیل در پایه‌ی پنجم ابتدایی مدارس شاهد و غیرشاهد سطح شهر تهران، با کنترل متغیرهای هوش، عزت نفس، انگیزه‌ی پیشرفت و رابطه مادر فرزندی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدچمران اهواز.
- پرکی، ویلیام (۱۳۷۸)؛ خودپنداری و موفقیت تحصیلی، ترجمه‌ی سیدمحمد میرکمالی، تهران: نشر یسپرون.
- پورحسین، رضا (۱۳۸۱)؛ بررسی تحول خودپنداشت در کودکان ۶ تا ۱۲ ساله‌ی ایرانی، با توجه به طبقه‌ی اجتماعی اقتصادی و جنس، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- _____ (۱۳۸۳)؛ روان‌شناسی خود، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حبیبی‌نیا، مژگان و همکاران (۱۳۷۴)؛ بررسی فراوانی افسردگی در فرزندان شاهد، در مقایسه با سایر هم‌سالان، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه علوم پزشکی شهیدصدوقی یزد.
- روشن، رسول (۱۳۶۹)؛ بررسی مقایسه‌ای میزان شیوع افسردگی و اضطراب در دانشجویان شاهد و غیرشاهد در سطح دانشگاه‌های شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- شاوردی، تهمینه (۱۳۷۴)؛ بررسی مسایل و مشکلات روانی اجتماعی خانواده‌های شاهد شهرک بعثت، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.



- علی پور، احمد (۱۳۶۰)؛ مقایسه‌ی میزان افسردگی دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شاهد و مدارس راهنمایی غیرشاهد در منطقه‌ی ۱۱، دانشگاه علامه طباطبایی.
- محمودیون، صدیقه (۱۳۷۴)؛ رابطه‌ی فقدان پدر با خویشتن‌پنداری در دانش‌آموزان شاهد و مقایسه‌ی آن با دانش‌آموزان غیرشاهد در مقطع مدارس شاهد گرگان و گنبدکاووس، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مرتضوی، فاطمه (۱۳۷۴)؛ مقایسه‌ی سطح افسردگی بین فرزندان شهید دارای پدرخوانده و فاقد پدرخوانده، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مکوندی، بهنام (۱۳۷۲)؛ مقایسه‌ی عملکرد تحصیلی و سازگاری دانش‌آموزان پسر شاهد با دانش‌آموزان پسر غیرشاهد واجد و فاقد پدر در مدارس ابتدایی اهواز. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدچمران اهواز.
- وزیریان، طاهره (۱۳۷۹)؛ بررسی و مقایسه‌ی ادراک کفایت خود و رابطه با انگیزش پیشرفت در دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
- Alessandri, M. (۱۹۹۲); *Effects of maternal work status in single-parent families on children's perception of self and family and school achievement*, Journal of experimental child psychology, ۵۴, ۴۱۷-۴۳۳.
- Baumeister, R. (۱۹۹۹); *The self in social psychology*, Case Western University.
- Baumeister, R.F. (۱۹۸۶); *Public self and private self*, New York: Springer-Verlag Inc.
- Damon, W; Hart, D. (۱۹۹۱); *Self-understanding in childhood and adolescence*, New York: Cambridge University press.
- Park, R.D. & Tisley, B.R. (۱۹۸۱); *The father's role in infancy: Determinations of involvement in care giving and play, The role of the father in child development*. New York: Wiley.



- Purkey(۱۹۸۸); *An Overview of self-concept theory for counselors*, U.S.A: Eric clearing house on counseling and personal service.